

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

اسرائیل و ایران رقبای اصلی بسیار قدیمی هستند. با افزایش تنش‌ها در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از حمله حماس به اسرائیل در سال گذشته و تهاجم شدید اسرائیل، جنگ سایه مربوط به چندین دهه که سال‌ها توسط حمایت ایران از شبهه‌نظامیان شیعه حزب الله لبنان و گروه شبهه‌نظامی دیگر دامن زده شده بود، به یک درگیری مستقیم تبدیل شد. آمریکا و اسرائیل نیز از زمانی که ایران برنامه تسلیحاتی خود را در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز کرد، نگران پیشرفت هسته‌ای ایران بوده‌اند. اسرائیل ده‌ها سال از زمان هدف قرار دادن این برنامه برای جلوگیری از توسعه هسته‌ای از طریق مأموریت‌های مرتبط با سرقت اسرار هسته‌ای، خرابکاری با انفجارهای تروریستی و انجام حملات پنهانی سپری کرده است. در حالی که اسرائیل هرگز مسئولیت این حملات را بر عهده نگرفته است، ایران این کشور را به ترور دانشمند برجسته ایرانی‌اش متهم کرده است. ایران سوخت هسته‌ای با درجه تسلیحاتی کافی برای ساخت سه بمب اتمی را دارد و یکی از تنها کشورهایی است که سلاح هسته‌ای ندارد، اما می‌تواند اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد تولید کند. بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، کیفیت اورانیوم غنی شده نزدیک به ۹۰ درصد مورد نیاز برای تسلیحات هسته‌ای را نیز در دست دارد. روابط روسیه با ایران در سال‌های اخیر عمیق‌تر شده است و بلومبرگ گزارش داده است که آمریکا نگران اشتراک گذاری اطلاعات و فناوری هسته‌ای بین دو کشور است که یک امتیاز بالقوه برای منافع هسته‌ای ایران است.

به گزارش نیویورک تایمز، در حالی که ضربه زدن به تأسیسات ایران به‌عنوان یک تشدید تنش بزرگ تلقی می‌شود، اما اسرائیل مدت‌هاست که نیروگاه غنی‌سازی هسته‌ای ایران در نطنز را دنبال کرده است، یک تأسیسات غنی‌سازی که در صحرا با هزاران سانتریفیوژ مدفون شده است.

ادامه در صفحه ۲



برنامه اسرائیل برای ایران چیست؟

فوربز

استفان پاسیس

در حالی که ایران هنوز تسلیحات هسته‌ای ندارد، اما تحلیل‌گران بر این باورند که برنامه توسعه هسته‌ای این کشور ممکن است هدف اصلی حمله تلافی‌جویانه اسرائیل باشد که به‌رغم مخالفت آمریکا پس از پرتاب موشک‌های ایران به اسرائیل قرار است صورت گیرد.

بر اساس گزارش خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی، در ماه آوریل، سردار احمد حق‌طلب، یکی از سرداران ارشد ایران، تهدید کرد که اگر اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران ضربه بزند، این کشور می‌تواند در سیاست‌های هسته‌ای خود تجدید نظر کند و گفت که چنین حمله‌ای می‌تواند ایران را تحریک کند که تأسیسات هسته‌ای اسرائیل را هدف قرار دهد.

۱۵

مسکو، پکن و تهران
بر خورد واقعیات با خیالات

۱۰

تهدید ایران برای زیرساخت‌های
حیاتی انرژی آذربایجان

۹

هفت راه آمریکا
برای شکست دادن اروپا

برنامه اسرائیل برای ایران چیست؟

حمله موشکی به اسرائیل چالشی برای زرادخانه ایران است

واشنگتن پست

آدام تیلور/مک گلی |

ایران قبل از پرتاب حداقل ۱۸۰ موشک بالستیک سریع‌السیر به سمت اسرائیل هشدار چندانی نداد. تحلیل واشنگتن پست نشان می‌دهد که دست کم ۱۲ مورد از دفاع اسرائیل در روز سه‌شنبه عبور کردند که بسیار بیشتر از حمله قبلی در آوریل بود. شواهد حاکی از آن است که ایران از بالاترین درجه مهمات خود در این حمله استفاده کرده است.

هم حمله این هفته و هم حمله قبل از آن در پیچه‌های بی‌سابقه‌ای را به میزان توانایی‌های ایران و قابلیت‌های اسرائیل برای رهگیری یا مقاومت در برابر آن‌ها ارائه می‌دهد. برخی کارشناسان می‌گویند این بینش‌ها ارزش زرادخانه عظیم موشکی تهران را که مقامات آمریکایی تخمین زده‌اند بزرگترین زرادخانه موشکی در غرب آسیاست، زیر سوال می‌برد.

ایران در حمله قبلی از بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد استفاده کرد.

ارتش اسرائیل اعلام کرد که ۹۹ درصد موشک‌ها و پهپادها یا رهگیری شده‌اند یا شکست خورده‌اند. به نظر می‌رسد تنها تعداد انگشت‌شماری در اسرائیل فرود آمده‌اند و کمترین خسارت را به بار آورده‌اند. جان کرزینیاک، محقق برنامه‌های تسلیحاتی ایران می‌گوید: «هر زمان که ۳۰۰ مهمات را به سوی کشور دیگری پرتاب می‌کنید، قصد دارید خسارت واقعی وارد کنید.»

شواهد نشان می‌دهد که اگر اولین حمله مستقیم ایران به اسرائیل در ماه آوریل به‌عنوان نمایش قدرت طراحی شده بود، این هفته به نظر می‌رسد که قصد ضربه بسیار مهم‌تری را داشته باشد. برخی تحلیل‌گران گفتند که ایران ممکن است از موشک‌های مدرن‌تری استفاده کرده باشد که از سوخت جامد استفاده می‌کنند.

تجزیه و تحلیل واشنگتن پست از تصاویر ماهواره‌ای نشان داد که حداقل ۲۲ موشک به دو سایت نظامی و یک سایت اطلاعاتی اصابت کرده یا به آن‌ها نزدیک شده‌اند. اگر تهران به این نتیجه برسد که موشک‌هایش برای بازدارندگی کافی نیستند، می‌تواند به اقدامات خطرناک‌تری روی آورد.

ibit.ly/v7BGY



مقامات نگران تحقیقات متالورژی و مدل‌سازی کامپیوتری مرتبط با تسلیحات هسته‌ای هستند. ظرفیت هسته‌ای ایران به‌عنوان یک نقطه اختلاف در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ مطرح می‌شود و مهم‌ترین سؤال مطرح‌شده در مناظره معاون رئیس‌جمهور در روز سه‌شنبه این بود که تیم والز فرماندار مینه‌سوتا استدلال کرد که ترامپ قادر به تنش‌زدایی نیست و حمایت‌های هسته‌ای کافی را اعمال نکرده است. زمانی که او از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ خارج شد، این مسیر را برای ایران هموار کرد. ترامپ در تاریخ ۴ اکتبر، در یک رویداد مبارزات انتخاباتی در کارولینای شمالی گفت که اسرائیل باید «اول هسته‌ای ایران را بزند و بعداً نگران بقیه مسائل باشد.» این رویکرد تهاجمی ترامپ نسبت به ایران و عدم ثبات دیپلماتیک برای توقف جنگ را نشان می‌دهد.

<https://tinyurl.com/27ohvf3j>

خارج شد. بر اساس توافق دولت اوپاما، ایران موافقت کرد که فعالیت‌های هسته‌ای خود را محدود کند و اجازه بازرسی‌های سازمان ملل را بدهد و در مقابل، تحریم‌های اقتصادی و مالی تعیین شده توسط اتحادیه اروپا، آمریکا و سازمان ملل لغو شد. این توافق سه نکته اصلی را ترسیم کرد؛ کاهش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران (یک عنصر کلیدی در ساخت بمب) به میزان ۹۸ درصد، توقف تولید اورانیوم غنی‌شده با عیار بالاتر به مدت ۱۵ سال و حذف دو سوم از بیش‌سازنده‌ها که توسط ایران صورت گرفت. ترامپ صریحاً مخالف این توافق بود و آن را «باجی بیش از حد در ازای دستاوردی خیلی کم» خواند. به گزارش وال استریت ژورنال، از سال ۲۰۱۸، ایران برنامه هسته‌ای خود را به‌طور قابل‌توجهی پیشرفت داده است و در حالی که هیچ مدرکی دال بر موشک‌های مجهز به سلاح هسته‌ای وجود ندارد، اما

جدای از حملات هوایی و باران موشک، اسرائیل یک برنامه دفاع سایبری قوی دارد که اخیراً با انفجار دستگاه‌های بی‌سیم متعلق به اعضای حزب‌الله قدرت خود را به نمایش گذاشته است. متیو بان، استاد انرژی، امنیت ملی و سیاست خارجی در هاروارد، به فوریز گفت که حمله به تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم مانند نطنز یا فردو، هیچ پیامد هسته‌ای یا انتشار مواد رادیواکتیوی نخواهد داشت. این تأسیسات با اورانیومی سروکار دارد که در یک راکتور هسته‌ای تابش نشده است و به این معنی است که رادیواکتیو کمتری دارد. او گفت که در یک حمله، برخی از مناطق ممکن است آسیب‌های اکولوژیکی را متحمل شوند، اما نتیجه به مقدار محدودی تخریب‌های اتمی خواهد داشت. در اواسط سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران که برجام نامیده می‌شود

اشتباهاتی که اسرائیل نمی‌تواند تکرار کند

پیامدهای اقتصادی ویرانگر جنگ با ایران

جرزالم پست ایوانگ

سناریوی اول سناریویی است که در آن نبردهای شدید در جبهه شمالی برای حدود یک ماه ادامه دارد، از جمله حملات هوایی به جنوب لبنان و نیروهای زمینی ارتش اسرائیل در لبنان.

در این صورت، سال ۲۰۲۴ شاهد کاهش ۳٫۱ درصدی اقتصاد خواهیم بود، به این معنی که تولید ناخالص داخلی حدود ۵ درصد کاهش خواهد یافت. در این صورت، کسری به ۹٫۲ درصد تولید ناخالص داخلی و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی ۷۱ درصد خواهد بود. این گزارش تخمین می‌زند که بهره بدهی در این مورد می‌تواند به ۶ تا ۸ درصد برسد. در این سناریو، گزارش فرض می‌کند که واکنش حزب‌الله عمدتاً بر بخش شمالی کشور متمرکز است، اما بر مرکز نیز تأثیر می‌گذارد. این سناریو فرض می‌کند که فعالیت‌های اقتصادی در شمال تعطیل شده و ۷۰ درصد از کارفرمایان به دلیل شدت جنگ تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. به علاوه، آسیب به زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی وجود دارد که منجر به قطع برق و همچنین آسیب به خدمات حیاتی و بیمارستان‌ها می‌شود. این سناریو همچنین فرض می‌کند که هیچ توافق با حماس در غزه حاصل نشده و بنابراین، اسرائیل کنترل نظامی و همچنین مدیریت امور غیرنظامی را در دست دارد.

هزینه جنگ در این مورد حدود ۱۲۰ میلیارد دلار (واحد پول اسرائیل) برآورد شده است. سناریوی دومی که در گزارش مورد بررسی قرار گرفت، سناریویی بود که در آن اسرائیل در یک جنگ چندجبهه‌ای علیه حزب‌الله و ایران می‌جنگد. در این صورت، سال ۲۰۲۴ شاهد انقباض ۴٫۸ درصدی خواهد بود که به معنای از دست دادن حدود ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی است.

هزینه زیاد چنین جنگی کسری بودجه را به ۱۱٫۲ درصد تولید ناخالص داخلی و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را به ۷۴٫۵ درصد در سال ۲۰۲۴ افزایش می‌دهد. در این صورت، انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۵، اقتصاد ۱٫۵ درصد رشد کند و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی به ۸۲٫۵ درصد برسد. هزینه جنگ در این مورد، حدود ۱۸۰ تا ۲۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

ibit.ly/ZfFtk



حزب‌الله قصد داشتند از طریق مرزها در هم شکسته و شمال اسرائیل را مانند حماس در جنوب ویران کنند. بمباران به موقع نیروی هوایی اسرائیل مانع از آن حمله شد، اما حزب‌الله با گلوله باران جلیل جبران کرد. نزدیک به ۱۰۰ هزار اسرائیلی در کشور خود آواره شدند، در آلی که مزارع و خانه‌هایشان سوخته بود. آمریکا همچنین باید از اشتباهات قبلی خود اجتناب کند و در عوض متعهد به حمایت از اسرائیل و اجازه دادن به آن برای تکمیل مأموریت نظامی خود باشد. اسرائیل این جنگ را با یک سری حملات درخشان علیه رهبران و زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله آغاز کرد، اما جنگ پیش رو احتمالاً به همین شکل باقی خواهد ماند. آمریکا باید از تحمیل آتش‌بس‌های زود هنگام یا حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل که تروریست‌ها می‌توانند به راحتی نقض کنند، خودداری کند؛ اما آمریکا همچنین باید اصرار داشته باشد که اسرائیل به تعهد خود مبنی بر عدم اشغال لبنان عمل کند و به‌طور جدی با نمایندگان دیپلماتیک تعامل کند.

[twtr.to/45JqT](https://twitter.com/45JqT)

داشت و طی آن راکت‌های حزب‌الله شهرها و شهرک‌های اسرائیل را کوبیدند و جت‌های ارتش اسرائیل اهداف استراتژیک را در لبنان بمباران کردند. جورج دبلیو بوش در ابتدا از حق اسرائیل برای دفاع از خود حمایت کرد، قبل از اینکه از میزان بالای تلفات غیرنظامیان عقب‌نشینی کرد و خواستار آتش‌بس شد. نیروی زمینی اسرائیل در لحظه آخر تنها در دشمنی بیشتر با آمریکایی‌ها موفق بود. پاسخ آن‌ها قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل بود که به جنگ پایان و به حزب‌الله دستور داد تا به شمال رودخانه لیتانی عقب‌نشینی کند و یک منطقه حائل در جنوب لبنان ایجاد کند.

اسرائیلی‌ها ما را فریب دادند که فکر می‌کردند جنگ، حزب‌الله را منصرف کرده است در حالی که در واقع جنگ ما را منصرف کرده است. ما تا حد زیادی منفعل ماندیم در حالی که در ۱۷ سال بعد، حزب‌الله زرادخانه موشکی خود را ۱۰ برابر گسترش داد و تقویت شد تا به یکی از نیرومندترین نیروهای نظامی منطقه تبدیل شود. بی‌تفاوتی اسرائیل پس از روز ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ پایان یافت. اکنون می‌دانیم که ۳ هزار تروریست واحد رضوان نخبه

آتلانتیک مایکل اورن

هدف عملیات صلح برای جلیل (جنگ سال ۱۹۸۲ لبنان)، همان‌طور که مناخم بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل آن را نامید، بیرون راندن تروریست‌ها از برد موشک بود، اما آرئیل شارون، وزیر دفاع، به ارتش دستور داد تا به سمت شمال پیشروی کند و بیروت را محاصره کند. اسرائیل پس از بیرون راندن تروریست‌ها و نیروهای سوری که کشور را اشغال کرده بودند، امیدوار بود که یک دولت مسیحی و طرفدار غرب را که متعهد به صلح باشد، روی کار بیاورد.

اگرچه اسرائیل موفق شد لبنان را از نیروهای سوری آزاد کند و بسیاری از تروریست‌های فلسطینی را بیرون کند و یک دولت مسالمت‌آمیز مسیحی ظهور کرد، اما این پیشرفت شکننده بود. رئیس‌جمهور جدید به زودی ترور شد و کشور به تدریج تحت سلطه حزب‌الله قرار گرفت. در روز ۱۲ جولای ۲۰۰۶، تروریست‌های حزب‌الله به یک گشت ارتش اسرائیل حمله کردند و هشت سرباز را کشتند و دو نفر را اسیر کردند. اسرائیل با جنگ دوم لبنان پاسخ داد. این درگیری به مدت ۳۴ روز ادامه

آمریکا برای مدت طولانی با ایران مماشات کرده است

خارک هر چه باشد، مقامات بایدن نیز با آن مخالفند، زیرا آن‌ها از تهدید نه چندان پنهان ایران برای بمباران ترمینال غول‌پیکر عربستان در راس تنورا به وحشت افتاده‌اند.

اما عربستان نه اسرائیل است و نه متحد این رژیم. بنابراین، هیچ توجیهی زمینی برای تهدید ایران وجود ندارد.

باید کاملاً واضح باشد که حمله ایران به سعودی‌ها، یاد در واقع هر پایانه نفتی دیگر عربی، منجر به انتقام جویی گسترده خواهد شد.

هر بمب افکن «بی-۵۲» نیروی هوایی آمریکا که از دیگو گارسیا بلند می‌شود، می‌تواند حدود ۷۰ هزار پوند بمب در هر نقطه از ایران پرتاب کند. گزینه جایگزین، تسلیم شدن در برابر باج‌خواهی ایران خواهد بود، تصمیمی که به زودی قدرت آمریکا را در سراسر غرب آسیا نابود خواهد کرد.

ibit.ly/paTUJ



کرد، هنوز پایانه نفتی جزیره خارک وجود دارد که بیشتر نفت صادراتی ایران را تحویل می‌دهد و ارزش خارجی را که این کشور برای واردات قطعات موشکی و پرداخت پول به شیعیان خود از آن بهره می‌برد، تأمین می‌کند. با این حال، مزایای تاکتیکی و استراتژیک تخریب سکوی ترمینال

به دلیل تداوم توهم اواما، اسرائیل از حمله به مجتمع سانتریفیوژ نطنز، محروم است. کارخانه هگزافلوراید اورانیوم اصفهان که تخریب آن گازهای رادیواکتیو بسیار خورنده را آزاد می‌کند، مانند سالن سانتریفیوژ فردو نیز خارج از محدوده است. اگر به تأسیسات هسته‌ای نتوان حمله

آن‌هرد

ادوارد لوتوکا

اسرائیل که توسط تقریباً ۲۰۰ موشک بالستیک مورد حمله قرار گرفت، اکنون باید تصمیم بگیرد که چگونه به آن پاسخ دهد.

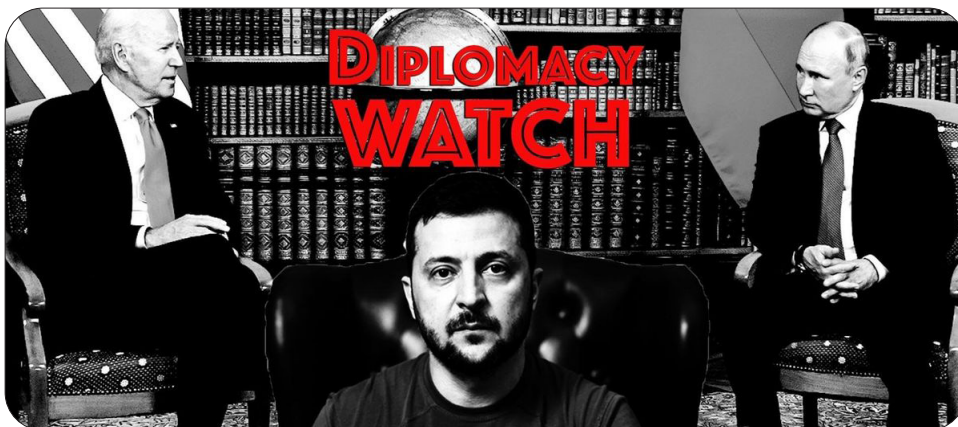
اگر رهگیرهای پیشرفته پیکان نبود، این حمله می‌توانست ۲۰ هزار اسرائیلی را بکشد. یقیناً اسرائیل بدون انهدام اهدافی که توانایی نظامی جمهوری اسلامی را تضعیف مادی می‌کند، خلبانان خود را به سراسر ایران اعزام نخواهد کرد.

کاخ سفید نمی‌خواهد اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند. حتی اکنون، آن دسته از مقاماتی که سیاست خارجی بایدن را اداره می‌کنند، به رویای خود برای آشتی با تهران می‌چسبند و بر این باورند که اگر ترامپ به توافق هسته‌ای پایبند می‌ماند، اکنون همه چیز خوب بود.

ضعف بایدن یا بی‌میلی او به صلح

است. نتانیاهو خواسته‌های جدیدی را تحمیل کرده است و بایدن حمایت نظامی از بازشدن مرزهای اسرائیل برای کمک‌های بشردوستانه را پیش‌بینی نکرده است. این به اسرائیل اجازه داد تا به بمباران و تهاجم زمینی خود ادامه دهد و بیش از یک میلیون لبنانی را آواره کرده و دو هزار نفر دیگر را به قتل برساند. در حالی که تمرکز نظامی نتانیاهو به ایران معطوف شده است؛ جبهه‌ای که برای غرب آسیا و منافع استراتژیک آمریکا حیاتی است، یک صلح پایدار است. آمریکا به عنوان برجسته‌ترین حامی اسرائیل، باید به اسرائیل بفهماند که در صورت عدم توجه به ارزیابی‌های امنیتی آمریکا، از نظر حمایت نظامی و دیپلماتیک مستمر این کشور در خطر خواهد بود. سپس آمریکا می‌تواند از ایران بخواهد که آتش خود را حفظ کند و از یک جنگ مخرب اجتناب کند. اگر بایدن به دنبال جلوگیری از جنگ است، باید منافع آمریکا را بر دیدگاه اسرائیل اولویت دهد.

<https://shorturl.at/Vz1Af>



حمایت از اسرائیل بوده است. منافع استراتژیک بایدن در ایران، جلوگیری از توسعه سلاح‌های هسته‌ای این کشور است، اما با این حال، نتانیاهو تلاش‌های آمریکا را در این زمینه کم‌رنگ کرده است.

بایدن به دلیل عدم حمایت از آتش‌بس در غزه و امتناع اسرائیل از پذیرش پیشرفت در حقوق فلسطینیان مورد انتقاد قرار گرفته است. به‌رغم بازدید مقامات ارشد آمریکایی از منطقه، بایدن واقعاً از این درخواست حمایت نکرده

بسیار فراتر رفته و به جنگ مستقیم بین دو کشور تبدیل شده است. اگر آن‌ها تنش‌زدایی نکنند، مقیاس نبرد (به‌خاطر گسترش و تشدید جنگ) می‌تواند ویرانی فعلی را کم‌رنگ کند و به یک نبرد بسیار بزرگتر تبدیل شود. بحث در تیم ارشد بایدن بر سر این نیست که آیا اسرائیل باید حملات بزرگی را علیه ایران انجام دهد یا نه، بلکه درباره کجا و چگونه جنگ است. آمریکا با تکیه بر تسلیحات و پشتیبانی کشورش، در تلاش برای

کوئینسی

رابرت هانترا

غرب آسیا در آستانه یک درگیری بزرگ بین اسرائیل و ایران است و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر ایران گزینه بین جنگ و صلح را در دست دارند. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا باید اقتدار بیشتر و انفعال کمتری نشان دهد تا از تشدید غیرقابل کنترل درگیری جلوگیری کند. تبادل آتش در حال گسترش بین اسرائیل و ایران

آینده نامشخص ارتش روسیه



نشانی اینترست مارک کتز

ارتش روسیه پس از اوکراین ممکن است از نظر تعداد قوا به اندازه کنونی باقی نماند: ارتش روسیه پس از پایان جنگ در چه شکلی خواهد بود؟ البته به شدت به چگونگی پایان جنگ بستگی دارد. اگر جنگ به دلیل فروپاشی ارتش روسیه مانند سال ۱۹۱۷ پایان یابد، شکل ارتش و خود روسیه بسیار وخیم خواهد بود. با این حال، در حالی که نمی توان آن را رد کرد، این سناریو محتمل به نظر نمی رسد. به نظر می رسد راه های بسیار محتمل تر برای پایان جنگ یا حتی آتش بس است که در آن روسیه کنترل سرزمین اوکراین را که اکنون اشغال کرده است حفظ می کند، یا اینکه اوکراین موافقت می کند که حتی بیشتر از آنچه که در اختیار دارد، تسلیم شود و امتیازات دیگری به مسکو بدهد. اما هر چقدر هم که ارتش روسیه پس از اوکراین قدرتمند باشد، عوامل متعددی ممکن است ظاهر شوند که ممکن است

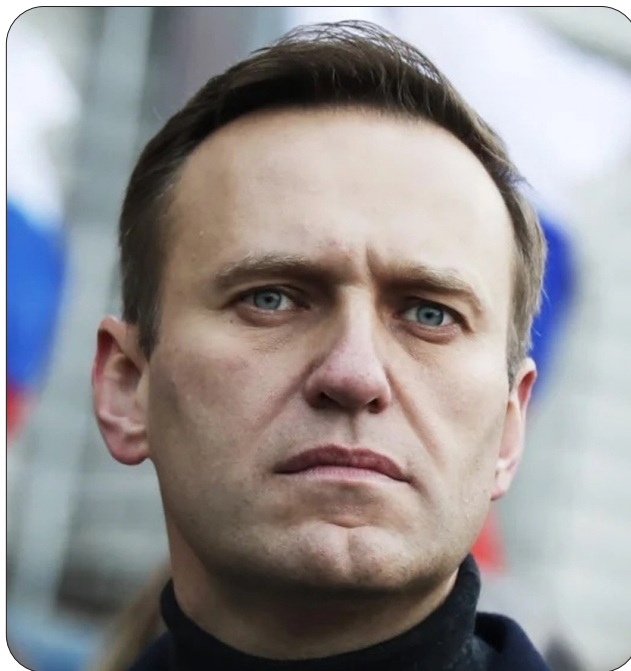
اندازه و حتی توانایی آن را محدود یا حتی کاهش دهند. یکی اینکه ارتش قدرتمند روسیه که در جنگ شرکت نمی کند، چیزی است که پوتین ممکن است از آن بیم داشته باشد که بتواند توجه خود را به محدود کردن

گزینه های خودیاحتی سزنگونی اومعطوف کند. در حالی که افسران روسی که در اوکراین جنگیدند به سختی مخالف هستند، ممکن است به دنبال اصلاح استراتژی و تاکتیک ارتش روسیه برای جلوگیری از رویکرد حمله جمعی با تلفات زیاد باشند

که پوتین مایل بود با آن مقابله کند. اروپا با این حال، پوتین ممکن است هرگونه جنبش اصلاحات نظامی را به عنوان انتقاد ضمنی از رهبری خود ببیند و بنابراین ممکن است بخواهد توانمندترین افسران ارتش روسیه را از پست های فرماندهی خارج کند، یا به سمتی که کمتر قادر به تهدید او باشند یا بازنشسته شوند، بفرستد. با این حال، بی احترامی به افسران روسی که برای او در اوکراین جنگیدند، ممکن است مخالفت هایی را با او در ارتش روسیه ایجاد کند که پوتین به دنبال جلوگیری از آن است. چه پوتین ثابت کند که این پارانوئید است یا نه سربازان عادی انتظار دارند که پس از پایان جنگ، از خدمت سربازی برکنار شوند. خانواده های شان نیز از آن ها انتظار خواهند داشت. علاوه بر این، صدها هزار سرباز مجروح روسی که از جنگ جان سالم به در بردند، کاملاً قابل درک است که ممکن است انتظار داشته باشند که دولت روسیه منابع خود را صرف مراقبت از آن ها کند.

[twtr.to/CmMGU](https://twitter.com/CmMGU)

بدون ناوالنی، اپوزیسیون روسیه از هم می پاشد



اسپکتینور لیزا هزلدین

از زمان مرگ الکسی ناوالنی (حقوقدان، سیاستمدار و منتقد سیاسی-اقتصادی ولادیمیر پوتین) در یک مستعمره کیفری در خارپ قطب شمال در ماه فوریه، جنبش مخالف روسیه خود را در آشفتگی دید. به جای اینکه مرگ ناوالنی آن منتقدان تبعیدی کرملین را که برای آینده ای دموکراتیک برای روسیه تشکیل کارزار می دادند، متحد کند، در هشت ماه گذشته شاهد شکسته شدن جنبش مخالفان به جناح های متخاصم بودیم که اصلاً قادر به همکاری در مورد هیچ چیز دیگری نبودند. اکنون، این جنگ آشکار شده است و ریسک ایجاد یک روسیه دموکراتیک آینده را در معرض خطر قرار می دهد.

هفته گذشته، اداره مبارزه با فساد لتونی اعلام کرد که تحقیقاتی را در مورد ادعاهای مطرح شده توسط بنیاد مبارزه با فساد ناوالنی [FBK] مبنی بر دست داشتن افسران مجری قانون لتونی در سازمان دهی حمله فیزیکی به یکی از

متحدها او در اوایل سال جاری آغاز کرده است. لتونید ولکوف، رئیس سابق ستاد ناوالنی در ماه مارس در خارج از خانه اش در ویلنیوس، لیتوانی با چکش و گاز اشک آور مورد حمله قرار گرفت که باعث خونریزی و کبودی دستش شد. به گفته بنیاد مبارزه با فساد، لتونید نوزلین (تاجر، سرمایه گذار و نیکوکار

اسرائیلی متولد روسیه) دستور حمله به ولکوف را صادر کرد و به قاتل ها قول ۲۵۰ هزار دلار (۱۹۰ هزار پوند) داد که گفته می شود پس از آن موفق به پرداخت آن نشد. پیشنهادهایی وجود دارد مبنی بر اینکه نقشه حمله به ولکوف ممکن است شامل ربودن و بازگرداندن او به روسیه باشد. ادعا شده است که افسران مجری قانون لتونی در کمک به نوزلین تا حدی در این ماجرا نقش داشته اند.

روز جمعه، گروه تحقیقاتی مرکز پرونده خوددور کوفسکی (سرمایه دار اهل روسیه) فهرستی ۷۵ موردی منتشر کرد از تمام اشیایی که بنا به گزارش ها برای بررسی از مستعمره زندانی که ناوالنی در آن درگذشت، برداشته شد و همچنین وسایل شخصی مانند لباس و کتاب، نمونه هایی از استفرغ ناوالنی، سواب هایی از دهان، گوش ها و بینی او و همچنین برف هایی که در حیاط ورزش که در آن ابتدا مریض شد، برداشته شد. مشخص نیست که از آن به بعد چه اتفاقی برای همه اشیای مصادره شده افتاده است.

[twtr.to/rYkgk](https://twitter.com/rYkgk)

حمایت اعضای اتحادیه از ترامپ

بازگشته بود، زیرا این شهر در یک ایالت نوسانی قرار دارد و همان پیامی را که هشت سال پیش گفت دوباره تکرار کرد؛ «آمریکایی‌ها شاهد محروم شدن کشورمان از مشاغل ما هستند. به هر حال این ایالت، بیش از هر ایالت دیگری، ۶۰ درصد از کسب و کار خودروی خود را در طول سال‌ها از دست داده است. بر اساس طرح من، کارگران آمریکایی دیگر نگران از دست دادن شغل خود به کشورهای خارجی نخواهند بود. در عوض، کشورهای خارجی نگران از دست دادن شغل خود به آمریکا خواهند بود.»

<https://B2n.ir/g28879>

سال‌های آینده به لطف رونق کار ساخت‌وساز در Saginaw ادامه خواهد داشت. او می‌گوید برای این کار، آن‌ها می‌توانند از هزینه‌های هنگفت جو بایدن برای زیرساخت‌ها تشکر کنند. با این حال، با ناامیدی آلردایس، بسیاری از اعضای شاخه او دوباره به ترامپ رأی خواهند داد. در سال ۲۰۱۶، ترامپ با انتقاد از نفتا به عنوان «بدترین توافق تجاری تاکنون»، در ایالت‌هایی با نسبت بالای از کارگران بقیه‌آبی که در انتخاب او نقش کلیدی داشتند، مورد حمایت قرار گرفت. ترامپ روز پنج‌شنبه به ساگیناو

را از توافق نامه‌های تجارت آزاد که به خودروسازان و سایر صنایع اجازه می‌داد صدها هزار شغل با درآمد خوب را از دهه ۱۹۹۰ به مکزیک و کانادا منتقل کنند، درک می‌کند. او می‌بیند که چگونه کاهش اقتصادی ناشی از آن و افزایش فقر در قلب‌های صنعتی به انتخاب دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ کمک کرد. چیزی که آلردایس نمی‌فهمد این است که چرا بسیاری از اعضای اخوان بین‌المللی کارگران برق (IBEW) هنوز از ترامپ حمایت می‌کنند، در حالی که چیزی جز اشتغال کامل و دستمزد خوب نمی‌دانند که احتمالاً

گاردین

کریس مک گریل

ایوان آلردایس به عنوان یک برقکار در یکی از کارخانه‌های جنرال موتورز کار می‌کرد که زمانی در شهرستان ساگینو در میشیگان قرار داشت و اکنون به عنوان نشانه‌های زوال هزاران شغل از دست رفته در دستور کار شرکت‌ها قرار دارد. او پس از تعطیلی کارخانه برای یافتن کار تلاش کرد و مجبور شد برای مشاغل قراردادی به سراسر کشور سفر کند. بنابراین آلردایس که اکنون رئیس شعبه Saginaw از بزرگترین اتحادیه برق آمریکا است، خشم یقه‌آبی‌ها

رهبران مسلمانان آمریکا هریس را تایید می‌کنند

هریس کمک کرد گفت که امیدوار است حمایت رهبران مذهبی باعث شود رأی دهندگان مسلمان به هریس رأی دهند. السانوسی گفت: «من واقعاً امیدوارم که با این نامه نظر بسیاری از مردم تغییر کند. تحرک [برای هریس] در جامعه در حال افزایش است.» این نامه آخرین تلاشی است که از طرف کارزار هریس برای ارتباط با این رأی دهندگان پس از دیدار او با رهبران جامعه مسلمان در میشیگان در روز جمعه انجام شده است. معاون او، فرماندار مینه‌سوتا، تیم والز، روز پنجشنبه در یک رویداد مجازی که توسط یک گروه رأی‌گیری مسلمانان طرفدار هریس برگزار شد، سخنرانی کرد. همچنین هفته گذشته، مشاور امنیت ملی معاون رئیس‌جمهور با رهبران جامعه عرب و مسلمان در واشنگتن دیدار کرد.

نسرینا برگزی، مدیر تبلیغات مسلمانان و عرب‌های آمریکایی در این کارزار، در بیانیه‌ای گفت: «معاون رئیس‌جمهور متعهد است برای به دست آوردن هر رأی، متحد کردن کشورمان و رئیس‌جمهوری برای همه آمریکایی‌ها تلاش کند.» هریس در طول دوران حرفه‌ای خود در حمایت خود از جامعه مسلمان مختلف کشورمان ثابت قدم بوده است، از جمله تضمین اینکه آن‌ها بتوانند فارغ از سیاست‌های نفرت‌انگیز دولت ترامپ زندگی کنند.

<https://B2n.ir/q90626>



که در گذشته از دموکرات‌ها حمایت کرده‌اند، از حمایت‌های خود خودداری کرده‌اند یا از حمایت از هر نامزدی برای ریاست‌جمهوری خودداری کرده‌اند. برخی از منتقدان احساس می‌کنند که هریس تا حد زیادی جامعه مسلمان و عرب‌های آمریکایی را رها کرده است. حدود ۷۰۰ هزار نفر در اعتراض به سیاست‌های جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در جریان انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها، رأی «غیرمتعهد» دادند. محمد السانوسی، یکی از رهبران جامعه مسلمان که به سازماندهی نامه حامی

انجام خواهد داد، بر ما واجب است که اجازه ندهیم احساسات اعمال ما را به ضرر ما دیکته کند. این نامه استدلال می‌کند که رهبران «مسئولیت دارند که جامعه ما را در معرض آسیب قرار ندهند.» چندین گروه برجسته مسلمان از نامزدهای حزب ثالث ضد جنگ مانند جیل استاین و کرنل وست حمایت کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر جنبشی به نام‌ها کردن هریس را برای مجازات دموکرات‌ها به دلیل حمایت ثابت دولت بایدن از اسرائیل آغاز کردند. بسیاری از گروه‌ها و رهبران مسلمان دیگر

ان بی سی نیوز

الکس سیتس والد

گروهی از رهبران مسلمان در نامه‌ای که روز یکشنبه ابتدا با ان بی سی نیوز به اشتراک گذاشته شد، از کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور حمایت کردند. او تلاش‌های خود را برای بازگرداندن رأی دهندگان مسلمان ناراضی در بحبوحه جنگ اسرائیل و حماس افزایش می‌دهد. هریس، نامزد دموکرات‌ها برای ریاست‌جمهوری، با خشم گسترده رأی دهندگان مسلمان و عرب به دلیل حمایت دولت بایدن از جنگ اسرائیل در غزه مواجه شده است و این جامعه می‌تواند در برخی از ایالت‌های نوسانی، مانند میشیگان، حیاتی باشد. آن‌ها استدلال کردند که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق، تهدیدی برای جامعه است. آگاهانه قادر ساختن شخصی مانند دونالد ترامپ برای بازگشت به قدرت، چه با رأی دادن مستقیم به او یا به یک نامزد شخص ثالث، هم یک شکست اخلاقی و هم یک شکست استراتژیک است. به‌ویژه در ایالت‌های نوسانی، رأی به شخص ثالث می‌تواند ترامپ را قادر سازد که در آن ایالت و در نتیجه در انتخابات پیروز شود. با توجه به سابقه ترامپ در آسیب رساندن به جوامع و کشور ما و همچنین آنچه که او وعده داده است در صورت بازگشت به مسلمانان و فلسطینیان

جنگ غرب آسیا افول آمریکار اتسریع می کند

سورین

افول آمریکا

مقر مطبوعات سورین

روزنامه



گردین ا

روز سه شنبه، هم‌زمان با اعزام نیروهای اسرائیلی به لبنان، ایران تقریباً ۲۰۰ موشک به سمت اسرائیل شلیک کرد و بنیامین نتانیا هو به تهران هشدار داد که «بهایش را خواهید پرداخت»، مجله آگوست «فارن افرز» افکار وزیر امور خارجه آمریکا را در مورد بازسازی رهبری و مدیریت آمریکا منتشر کرد. اگر او این موضوع را به درستی تشخیص داده باشد که «رقابت شدیدی برای تعریف عصر جدیدی در روابط بین الملل در جریان است»، اظهارات آنتونی بلینکن در مورد تجدید اقتدار آمریکا به طور قابل توجهی کمتر قانع کننده خواهد بود.

برخی تاریخ پایان قرن آمریکا را به ویتنام یا «جنگ علیه تروریسم» می‌دانند، اما ریاست جمهوری دونالد ترامپ به زوال آمریکا سرعت بخشید. این تنها ولادیمیر پوتین نبود که شجاعت پیدا کرد تا به جاه طلبی‌های خود لباس واقعیت بپوشاند بلکه آقای ترامپ به چین نیز چنین شوکی وارد کرد، قدرت بسیار آن در سال‌های اخیر نه تنها قدرت روزه رشد و رهبری شی جین پینگ را منعکس می‌کند، بلکه همچنین نشان دهنده تلقی او از آمریکا به عنوان یک ابرقدرت روزه زوال است و کشورهای دیگر نیز تصمیم گرفتند از شرط بندی‌های ژئوپلیتیکی خود جلوگیری کنند. آمریکا امروز در موقعیت قوی تری نسبت به چهار سال پیش قرار دارد، اما انزوگرایی نامنظم دولت ترامپ به طرز تکان دهنده‌ای غیرقابل پیش بینی است و هیچ کس نمی‌تواند اقدامات آن را پاک کند. متحدان و رقبای به طور یکسان در مورد قابلیت اطمینان بلندمدت آمریکا نتیجه گیری کرده‌اند.

جو بایدن برای تحکیم حمایت غرب در اطراف اوکراین و احیای روابط با اروپا شایسته تقدیر شدن هستند. آمریکا خود را آماده، متعهد و قادر به هماهنگی اقدامات پیش رو نشان داده است. این کشور به دنبال ایجاد مشارکت در تمام نقاط دیگر نیز بوده است، مانند اقیانوس هند و اقیانوس

با اسرائیل همکاری خواهد کرد تا از «عواقب شدید» حمله ایران اطمینان حاصل کند و نتانیا هو بدون شک امیدوار است که دولت ترامپ از اقدام علیه ایران حمایت کند، حتی اگر بایدن یا این موضوع مخالفت کند. دموکرات‌ها رأی دهندگان عرب آمریکایی و دیگر افراد خود را از دست داده‌اند (کامالاهریس از نظر لحن با بایدن بیشتر متفاوت شده است)، در حالی که ترامپ به دلیل بحران‌های و موارد دیگر که می‌تواند به عنوان ضعف در قبال ایران به تصویر کشیده شود و قیمت‌های بالاتر نفت را به جانش بخرد زیرا که او می‌گوید «جهان در آتش است» و باید برای خاموش کردن آن دست به هر اقدامی بزند؛ با این حال او از توافق هسته‌ای ایران و توافق آب و هوای پاریس خارج شد و گفته است که روسیه را تشویق می‌کند «هر کاری که می‌خواهند» با متحدان ناتو انجام دهد. نرسیدن به اهداف هزینه کاهش موقعیت آمریکا، می‌تواند تسریع شود و آمریکا از هر زمان دیگری از تمام نقاط مختلف تحت فشار و در خطر بزرگی است که تنها یک سیاست آگاهانه و درست می‌تواند آن را از این منجلاب نجات دهد.

<https://shorturl.at/aI2eA>

احتیاج دارد تنها کمک‌های نظامی آمریکا را شاهد هستند که به شکل غیرانسانی فرق بسیاری بین دو ملیت برای کمک‌رسانی می‌گذارد. در آغوش گرفتن بایدن و نتانیا هو به منظور جلوگیری از جنگی بود که اکنون در لبنان در جریان است. کشوری که برای امنیتش متکی به آمریکا است، از تسلیحاتی که آمریکا تهیه می‌کند برای انجام حملاتی استفاده می‌کند که آمریکا در مورد آن‌ها هشدار می‌دهد، اما در آخر واشنگتن مجبور به موافقت با این عملیات‌ها می‌شود. یوناتان زیگن، مادرش، ویویان سیلور، یک فعال صلح بود که در ۱۷ اکتبر توسط حماس کشته شد، او به نیویورک تایمز حیرت خود را از صحبت با سیاستمداران و مقامات آمریکایی توضیح داد که انگار هیچ کس نمی‌داند دارد چه می‌کند و هیچ برنامه‌ای برای کنترل این وضعیت در سر ندارند.

این وضعیت ممکن است جدید نباشد، اما اکنون دردناک‌تر و پریامدتر است. بایدن که برای خروج از افغانستان بدون در نظر گرفتن هزینه آن بسیار عجله کرد، مجبور شد در غرب آسیا نیرو ایجاد کند. مشاور امنیت ملی آمریکا، جیک سالیوان، گفته است که

آرام که از اهمیت بالایی برخوردارند و همیشه حیات خلوت چین بوده‌اند، اما آمریکا هیچ وقت از حضور خود در آنجا برای تأمین منافع شرکایش کوتاهی نکرده است، اما با این حال، اقتداری که آمریکا دوباره به دست آورده است، هدر رفته است. تضاد شدید بین اضطرابی که دولت در مورد کشته‌های اوکراینی نشان داده و بی تفاوتی آشکار نسبت به زندگی غیرنظامیان فلسطینی در غزه، بدبینی و خشم گسترده‌ای را نسبت به استانداردهای دوگانه آمریکا تشدید کرده است و همگان نسبت به این موضوعات و بازی‌های سیاسی آگاهی بیشتری پیدا کرده‌اند. دهه‌تن از مقامات خود دولت استعفا داده‌اند و برخی نیز در فکر استعفا هستند، اما فعلاً به دلیل شرایط سخت بعد آن هنوز تحمل می‌کنند. دیپلمات‌های آمریکایی هشدار دادند که موضع این کشور «در حال از دست دادن مردم عرب برای یک نسل تمام است» و باید به گونه دیگری نیز این جمله تکمیل شود؛ آمریکا در حال از دست دادن اعتماد بیش از نیمی از جهان است که زمانی آن را یک ابرقدرت برای برقراری نظم می‌دانستند. اکنون که دنیا از هر زمان دیگری به صلح

غرب باید به اسرائیل به عنوان یک برکت نگاه کند تا نفرین

این یک مأموریت انتحاری نیست، مانند مأموریت‌هایی که توسط فرقه اسلام گرا راه اندازی شده است. همان طور که نتانیاهو نیز پس از ترور نصرالله گفت: «ما پیروز هستیم» و ترس را در دل دشمنان آن‌ها ایجاد کرد.

این امر مطمئناً فقط می‌تواند نشانه خوبی باشد. پس چرا بسیاری در اروپا و غرب همچنان اسرائیل را نفرین می‌دانند؟ اینکه دولت یهود را به عنوان شروری که به نوعی مقصر مشکلات منطقه و جهان

است مشخص کنیم؟

در طول ۱۲ ماه گذشته، ما شاهد این بوده‌ایم که چگونه با اسرائیل به گونه‌ای متفاوت رفتار می‌شود، با معیاری دوگانه قضاوت می‌شود که به نوعی آن را مانند همیشه در سمت تاریک می‌بیند.

به صدای ناهنجار کنونی، صداهایی که خواستار آتش بس در مرز لبنان هستند گوش دهید. زمانی که حزب الله با گلوله باران اسرائیل و بیرون راندن هزاران شهروند آن از خانه‌هایشان، درگیری را آغاز کرد، آن‌ها کجا بودند؟ چرا همه فقط زمانی شروع به درخواست آتش بس می‌کنند که اسرائیل با موفقیت عمل می‌کند؟

twttr.to/lnb1g



می‌خورند. سازمان ملل متحد آن‌ها را راه کرده‌است و حتی متحدان غربی سنتی آن‌ها محتاطانه می‌جنگند و به آن‌ها می‌گویند که آرام باشند، مشکل ایجاد نکنند و خواستار آتش بس یا همان تسلیم هستند.

اسرائیل را باید در اروپا و غرب به عنوان یک نعمت برای ما دید. نه به این دلیل که استثنایی است، یا یهودیان قوم برگزیده خدا هستند، بلکه به این دلیل که اسرائیلی‌ها برای همه ما الگو هستند. اگر برای حاکمیت ملی، دموکراسی، مردم خود با هر آنچه که دارید مبارزه کنید، شانس دارید. نکته کلیدی این است که برای کسانی که از شما متفرند و شما و تمدن شما را نابود می‌کنند، هیچ امتیازی ندهید.

یوروپین کانزوتیو

میک هیوم

روز ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ روز سیاهی برای یهودیان و همه کسانی بود که به انسانیت اعتقاد دارند. نه تنها حماس یک قتل عام خونین را در اسرائیل به راه انداخت، بلکه احق‌های اسلام گرایان در سرتاسر جهان از جمله در پایتخت‌های غربی، کشتارهای یهودی ستیزانه را به عنوان ضربه‌ای برای «رهایی» جشن گرفتند.

برای بسیاری به نظر می‌رسید که اسرائیل، ظاهراً غافل و ناآماده، شکستی تاریخی را متحمل شده است. حتی آن دسته از ما که بلافاصله جنگ بین اسرائیل و حماس را به عنوان یک مبارزه وجودی بین «تمدن» و «بربریت» می‌دیدیم، نمی‌توانستیم مطمئن باشیم که نیروهای روشننگری بر تاریکی چیره خواهند شد یا خیر.

بالبین حال، پس از گذشت یک سال از جنگ تلخ، پیام بلند و واضح اسرائیل به جهان این است: «بگذار نور باشد»! اسرائیلی‌ها در جنگ علیه حماس در غزه پیروز می‌شوند و ضربات مهلکی به حزب الله لبنان وارد می‌کنند. آن‌ها که حامی تروریست هستند، جمهوری ظالم اسلامی ایران را تار و پودر می‌کنند. تکان داده‌اند. اکنون باید برای همه کسانی که به تمدن غرب اهمیت می‌دهند، روشن شود که

دولت جنگنده اسرائیل، تنها دموکراسی در غرب آسیا، سزاوار حمایت کامل ما است و منظورم آن نوع ناامیدی نیست که من از حق اسرائیل برای دفاع از خود حمایت می‌کنم، اما ایها ماتی وجود دارد که ما اغلب از حاکمان خود شنیده‌ایم.

در عوض، ما باید اسرائیلی‌ها را به عنوان نمونه‌ای در آغوش بگیریم که اگر برای اصول خود بجنگید، چه چیزی ممکن است یعنی یک منبع الهام، یک نور پیشرو که راه را در مبارزه برای بازگرداندن تاریکی نشان می‌دهد.

امادر حالی که جنگ در غرب آسیا به خوبی پیش می‌رود، اسرائیلی‌ها هنوز هم عملاً در نبرد سیاسی در غرب و سراسر جهان شکست

سایر خبرها

صدای آمریکا

سی‌ان‌ان

منابع مالی حزب الله در بحبوحه درگیری با اسرائیل در حال تمام شدن است

بررسی‌ها با استناد به گزارش پژوهشگران مستقر در ایالات متحده و لبنان و گزارش‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد شبهه نظامیان حزب الله لبنان در بحبوحه حملات چند هفته‌ای اسرائیل، با مشکل کمبود نقدینگی و بی‌پولی روبرو شده‌اند. براساس این گزارش، پول‌های مورد نیاز حزب الله، عمدتاً از سه منبع شامل یک موسسه مالی بدون مجوز «القرض الحسن»، چند بانک ورشکسته اما دارای مجوز لبنانی و ورود چمدانی پول نقد با هواپیما به فرودگاه بیروت تأمین می‌شد که همه این منابع بعد از حملات اسرائیل و حذف رهبران ارشد حزب الله، در ارسال پول برای این گروه تحت حمایت جمهوری اسلامی ناکام شده‌اند. اسناد نشان می‌دهد، حزب الله گروه مالی «القرض الحسن» را در سال ۱۳۶۱ به عنوان یک مؤسسه خیریه تأسیس کرد که وام‌های بدون بهره را به لبنانی‌های نیازمند، عمدتاً شیعیان، ارائه می‌داد. این موسسه در سال ۱۳۸۶ با دارایی حدود نیم میلیارد دلار توسط آمریکا تحریم شد و ماه گذشته در حملات هوایی اسرائیل به اهداف حزب الله در ضاحیه بیروت به شدت آسیب دید.

ibit.ly/b3zXR

ایران نگران حمله اسرائیل و به دنبال کمک دیپلماتیک از کشورهای منطقه است

حکومت ایران به دلیل نگرانی از واکنش احتمالی اسرائیل به حمله موشکی اخیر خود، تلاش‌های دیپلماتیک فوری را با کشورهای غرب آسیا آغاز کرده است. طبق گزارش‌ها، این اقدامات با هدف کاهش شدت پاسخ اسرائیل به این حمله یا در صورت شکست، یافتن حمایت برای محافظت از تهران صورت گرفته است.

به گفته منابع مطلع، نگرانی جمهوری اسلامی از این است که آیا آمریکا قادر خواهد بود اسرائیل را از حمله به تأسیسات هسته‌ای و نفتی ایران باز دارد یا خیر. علاوه بر این، تضعیف شدید حزب الله، مهم‌ترین نیروی نیابتی ایران در منطقه توسط حملات اخیر اسرائیل، این نگرانی‌ها را افزایش داده است. آمریکا از اسرائیل خواسته تا واکنش خود به حمله ایران در اول اکتبر را «متناسب» نگه دارد و از حمله به تأسیسات هسته‌ای و نفتی آن خودداری کند. همچنین، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در تماس تلفنی با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، خواستار خویشتن‌داری بیشتر شده است.

ibit.ly/6ixh2

هفت راه آمریکا برای شکست دادن اروپا

سورین

سایر حوزه‌ها

موضوعات اصلی روزنامه



پولیتیکو

کوکلر / مارتنز کلی |

آمریکا و اتحادیه اروپا در چند دهه گذشته با چالش‌های مشابهی روبرو بوده‌اند، از جمله با سقوط مالی و همه‌گیری کرونا که ویرانه‌های اقتصادی به بار آورده است و بهبودی آن سال‌ها طول کشیده است. اما از بین این دو، این امریکا است که راهی برای پیشرفت پیدا کرده است. وقتی صحبت از چیزهایی می‌شود که ثروت ایجاد می‌کنند مانند علم، نوآوری، حتی نرخ زاد و ولد بالاتر، آمریکا از نظر بسیاری از معیارها جلوتر است. اتحادیه اروپا در تلاش است تا آن را تغییر دهد. ماریو دراگی، رئیس سابق بانک مرکزی اروپا را استخدام کرد تا گزارشی

درباره تمام اشتباهات و هر کاری که باید در مورد آن انجام شود ارائه کند.

۱ آمریکا ها ثروتمندتر هستند

با کنار گذاشتن کلیشه‌های پول و شادی، آمریکایی‌ها به طور متوسط از اروپایی‌ها ثروتمندتر هستند. این امر برای مدت طولانی درست بوده است، اما نکته نگران‌کننده برای اتحادیه اروپا این است که شکاف در حال گسترده‌تر شدن است. در سال ۱۹۹۰، تولید ناخالص داخلی آمریکا [GDP] ۱۶ درصد بیشتر از منطقه یورو بود. تا سال ۲۰۲۳، این تفاوت دو برابر شد و به بیش از ۳۰ درصد رسید.

۲ آمریکا ها عاقل تر هستند

پول بیشتر به معنای برابری همه چیز، هزینه بیشتر در علم و تحقیق است؛ اما همه چیز برابر نیست. در واقع، دولت و بخش خصوصی در آمریکا به نسبت اروپا، نسبت به تولید ناخالص داخلی بزرگ‌تر خود برای آن‌ها هزینه می‌کنند. کشف جمع‌آوری سرمایه خصوصی بیشتر برای تسریع تحقیق و توسعه اروپایی یکی از نکات مهم گزارش دراگی است.

۳ آمریکایی ها خلاق ترند

اندازه‌گیری سرعت توسعه فناوری آسان نیست؛ اما با نگاهی به چند نماینده، به نظر می‌رسد که آمریکا جلوتر است. بیاید صریح بگوییم: اروپایی‌هایی تفاوت نیستند؛ اما وقتی صحبت از سهم مقالات علم و فناوری منتشر شده در مجلات علمی برتری می‌شود، آمریکا به وضوح پیشتر است.

۴ آمریکایی ها انرژی بیشتری دارند

گاهی اوقات شما فقط شانس می‌آورید. شانس آمریکا یک نام دارد: حوضه پرمین (میدان نفتی با تولید متوسط ۴٫۲ میلیون بشکه نفت خام در روز در سال ۲۰۱۹، بالاترین تولید نفت در آمریکا است). میلیون‌ها سال پیش، این تکه قلمرو که از تگزاس تا نیومکزیکو کشیده شده بود، زیر آب و مملو از زندگی گیاهی بود. اکنون، تمام آن مواد آلی انباشته شده به نفت خام تگزاس تبدیل شده که در نتیجه آمریکا را به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز طبیعی در جهان تبدیل کرده است.

۵ آمریکایی ها بهره‌وری بیشتری دارند

زمان پول است. کارگران آمریکایی به طور مداوم در هر ساعت کار بیشتر از اروپایی‌ها تولید می‌کنند. برای مدتی این شکاف در حال بسته شدن بود اما یک بار دیگر بیشتر شد. بهره‌وری آمریکایی‌ها می‌تواند تا حدی با پذیرش سریع و توسعه فناوری دیجیتال توضیح داد، منطقه‌ای که اروپا از آن عقب مانده است.

۶ آمریکایی ها بزرگ‌ترین شرکت‌ها را دارند

سال گذشته، انویدیا، طراح ریز تراشه کالیفرنایی، هشتمین شرکت آمریکایی با ارزش بیش از یک تریلیون دلار شد. با اروپا مقایسه کنید، جایی که در ۵۰ سال گذشته هیچ کسب و کاری وجود نداشته است که به مرز ۱۰۰ میلیارد یورو برسد. ۷. آمریکایی‌ها بچه‌های بیشتری دارند از نظر تاریخی، نیروی کار روبه‌رشد اروپا رشد تولید ناخالص داخلی را افزایش داده است، بنابراین کاهش جمعیت باعث دردرس عظیمی می‌شود. اروپایی‌ها به ازای هر مادر، نسبت به آمریکایی‌ها فرزند کمی دارند.

twtr.to/t62rf

سایر حوزه‌ها

رویترز

ایران هنوز تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای نگرفته است

خبرگزاری رویترز به نقل از دو مقام آمریکایی نوشت که حکومت ایران هنوز تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای نگرفته است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی با وجود شکست‌های استراتژیک اخیر در تهران، از جمله کشته شدن رهبران حزب الله توسط رژیم صهیونیستی و دو تلاش ناموفق برای حمله موشکی به اسرائیل، تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای نگرفته است. این موضوع در شرایطی از سوی یک مقام ارشد دولت جوبایدن و سخنگوی دفتر مدیر اطلاعات ملی آمریکا (اودی ان‌آی) مطرح شده است که پیشتر ویلیام برنز، رئیس سازمان سی‌آی‌ای گفته بود: «هیچ مدرکی وجود ندارد مبنی بر اینکه حکومت ایران تصمیم گرفته باشد یک سلاح هسته‌ای بسازد و اگر چنین تصمیمی بگیرد، آمریکا و متحدانش احتمالاً به زودی پس از اتخاذ این تصمیم متوجه خواهند شد.» به گزارش رویترز، بر اساس گفته‌های سخنگوی دفتر مدیر اطلاعات ملی آمریکا، [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در حال حاضر تصمیمی برای از سرگیری برنامه تسلیحات هسته‌ای که ایران در سال ۲۰۰۳ تعلیق کرده بود، نگرفته است.

ibit.ly/sPYKw

یورونیوز

راه حل حقوقی تازه اتحادیه اروپا برای تروریستی شناختن سپاه پاسداران

اتحادیه اروپا موفق شده است مسیری قانونی را برای شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک سازمان تروریستی پیدا کند و به این ترتیب سد بزرگی را که سال‌ها مانع از این اقدام بود، پشت سر بگذارد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سرکوب معترضان ایرانی، انتقال تسلیحات به روسیه، پرتاب موشک‌های بالستیک به اسرائیل و همچنین حمایت از گروه‌های شبهه‌نظامی در سراسر غرب آسیا، متهم است. افزودن یک فرد یا نهاد جدید به فهرست تروریستی اتحادیه اروپا مستلزم حکم قضایی صادر شده داخلی علیه این فرد یا نهاد در یکی از ۲۷ کشور عضو این گروه است. به گزارش «یورونیوز»، مبنای مسیر جدید اتحادیه اروپا حکم دادگاه عالی منطقه‌ای دوسلدورف در آلمان است؛ حکمی که در ماه مارس گذشته (اسفند-فروردین) صادر شد. این حکم نشان می‌دهد که حمله به یک کنیسا در شهر بوخوم، آلمان در سال ۱۴۰۱ با حمایت یک سازمان حکومت جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

ibit.ly/SnEoi

تهدید ایران برای زیرساخت‌های حیاتی انرژی آذربایجان



مدرن دیپلماسی رفت احمدزاده

ایران لفاظی‌های جنگ طلبانه خود را پس از حمله اول اکتبر که در آن جمهوری اسلامی نزدیک به ۲۰۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کرد، افزایش داده‌اند. این حمله با اسم رمز «وعده صادق» دومین اقدام مستقیم ایران از ماه آوریل بود و نشان دهنده تهاجم بزرگ تهران است که تهدیدی قابل توجه برای همسایگان آن است. در حالی که بحث‌ها درباره انتقام جویی احتمالی اسرائیل ادامه دارد، رسانه‌ها از پالایشگاه‌های نفت ایران در میان اهدافی که ممکن است مورد حمله قرار گیرند، یاد می‌کنند. یوآو گالات، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی گفت که تلافی آتی علیه حملات موشکی ایران «کشنده و بسیار مخرب» خواهد بود. در همین حال، حساب‌های شبکه‌های اجتماعی مرتبط با سپاه پیش از این گزارش‌هایی را منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد تهران به آمریکا هشدار داده است که در صورت اقدام علیه پالایشگاه‌های نفت ایران، جمهوری اسلامی تأسیسات نفتی در عربستان، آذربایجان، امارات، بحرین و کویت را هدف قرار خواهد داد. بر اساس گزارش رویترز، ایران همچنین به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هشدار داده است که هرگونه استفاده از حریم هوایی یا پایگاه‌های نظامی آن‌ها برای هدف قرار دادن ایران غیرقابل قبول خواهد بود و تهدید کرده است که در صورت تحقق چنین اقدامی پاسخ خواهد داد.

اشاره ایران به آذربایجان به عنوان یک هدف بالقوه، در صورت حمله اسرائیل به پالایشگاه‌های نفت ایران، نشانه‌ای از تهدید فزاینده جمهوری اسلامی برای زیرساخت‌های حیاتی انرژی نه تنها در غرب آسیا، بلکه در منطقه قفقاز جنوبی و حوزه دریای خزر است. آذربایجان ۴۰ درصد انرژی مورد نیاز اسرائیل را تأمین می‌کند و زیرساخت‌های نفت و گاز آذربایجان ستون فقرات استقلال این کشور در منطقه پر تنش ژئوپلیتیکی قفقاز است. آذربایجان نه تنها نزدیک به ۴۰ درصد تقاضای اسرائیل برای نفت خام را برآورده می‌کند، بلکه غول انرژی دولتی آذربایجان، سوکار،

تهدیدات نظامی ایران علیه آذربایجان پس از پایان جنگ قره‌باغ افزایش یافته، زیرا تغییر قدرت قفقاز جنوبی به نفع باکو است. ایران همچنین توانایی‌های دریایی خود را در دریای خزر افزایش داده و رزمایش‌های دریایی با روسیه را نیز افزایش داده است. قابلیت‌های موشکی و سایبری آن، از جمله بزرگترین نیروی موشکی بالستیک و کروز آن در غرب آسیا است می‌تواند بر سیستم‌های دفاع موشکی غلبه کند. ایران همچنین قابلیت‌های تهاجمی سایبری خود را بهبود بخشیده و باعث اختلالات محلی در شبکه‌های شرکتی شده است. در مجموع، با توجه به نقش کلیدی آذربایجان در امنیت انرژی متحدان حیاتی آمریکا مانند اتحادیه اروپا، اسرائیل و ترکیه و کمک قابل توجه آن در تأمین انرژی کشورهای دوست آمریکا، گرجستان، اوکراین و مولداوی، دولت آینده باید کوتاه‌فکری‌هایش را متوقف کند و اقدامی انجام دهد. تصمیم‌وزارت امور خارجه مبنی بر عدم چشم‌پوشی از بند ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی، ممنوعیت کمک‌های آمریکا به دولت آذربایجان که به منافع آمریکا در قفقاز جنوبی لطمه می‌زند به‌شرف خودشان تمام می‌شود. به نفع آمریکا و آذربایجان است که مشارکت نظامی و فنی خود را برای تأمین زیرساخت‌های حیاتی در منطقه گسترش دهند.

<https://tinyurl.com/23vdbqez>

دستور کار تهران در پشت حملات حماس است که هدف آن برهم زدن روابط اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک بین دولت اسرائیل و کشورهای دارای اکثریت مسلمان بود. استراتژی چند بعدی ایران در پشت حملات حماس بر چندین هدف بلندپروازانه از جمله جلوگیری از عادی‌سازی احتمالی بین اسرائیل و عربستان و سایر کشورهای عربی، از مسیر خارج کردن توافق آبراهام، جلوگیری از تلاش‌ها برای بهبود روابط تیره‌شده ترکیه و اسرائیل و تلاش برای وارد کردن آسیب‌های اقتصادی و دیپلماتیک استوار بود. پس از حملات تروریستی حماس و آغاز جنگ متعاقب آن در غزه، رسانه‌های ایرانی حملات تبلیغاتی هماهنگ شده‌ای را علیه ترکیه و آذربایجان به دلیل تأمین نفت خام اسرائیل از طریق خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان انجام دادند. محافل اسلام‌گرا و چپ‌گرای الهام گرفته از ایران، طرفدار حماس در ترکیه چندین تظاهرات برپا کردند و دفاتر شرکت نفت آذربایجان در استانبول را به‌طور مکرر تخریب کردند تا صادرات نفت را متوقف کنند. با توجه به نفوذ عظیم اخوان المسلمین در داخل ترکیه، این کشور به فضایی راحت برای تبلیغات و فعالیت‌های ترکیبی ایرانیان تحت پوشش روایات به اصطلاح اسلامی تبدیل شده است.

در کنار بریتیش پترولیوم و نیومد اسرائیل، مجوز اکتشاف منطقه‌ای در شمال میدان گازی لویاتان اسرائیل در شرق مدیترانه را دریافت کردند. روابط مستحکم دوجانبه و چندجانبه بین اسرائیل و آذربایجان از دیرباز یکی از دغدغه‌های اصلی نظام ایران بوده است. در بحبوحه انتقام پیش‌بینی شده اسرائیل علیه حملات موشکی ایران، رسانه‌های ایرانی همچنان به ادعاهای بی‌اساس درباره پایگاه‌های نظامی مخفی اسرائیل در آذربایجان با اتهام مضحک مبنی بر اینکه آذربایجان یکی از خاستگاه‌های خرابکاری علیه جمهوری اسلامی است، ادامه می‌دهند. عباس موسوی، دیپلمات ایرانی، در گفت‌وگو با سایت تجارت نیوز، در خصوص اقدام تلافی‌جویانه احتمالی اسرائیل علیه تأسیسات نفتی ایران، ادعا کرد که اسرائیل هواپیماهای زیادی را در آذربایجان مستقر کرده است. در واقع، از زمانی که حماس حملات تروریستی وحشیانه علیه اسرائیل را در اکتبر ۲۰۲۳ آغاز کرد، هدف اصلی ایران تحکیم اعضای سازمان کشورهای اسلامی و دستیابی به محاصره اقتصادی و همچنین انزوای دیپلماتیک اسرائیل بوده است. [آیت‌الله] خامنه‌ای رهبر ایران بارها از کشورهای عربی و مسلمان خواسته بود که اسرائیل را تحریم کنند. مقامات ایرانی مکرراً تماس‌های مشابهی را تکرار کرده‌اند که نشان دهنده

تولید کلاهک هسته‌ای با اولین گودال پلوتونیومی پس از ۳۵ سال در آمریکا

اینترستینگ اینجینیرینگ کاپیل کزالا

اداره ملی امنیت هسته‌ای وزارت انرژی آمریکا (NNSA) اخیراً تولید موفقیت‌آمیز اولین واحد تولید (FPU) یک گودال پلوتونیوم برای برنامه اصلاح W-7-1 را تایید کرده است. کلاهک W-7-1 جایگزین کلاهک قدیمی W-7A خواهد شد و تضمین می‌کند که موشک بالستیک قاره‌پیما (ICBM) از سه‌گانه هسته‌ای ایمن، مطمئن و مؤثر باقی می‌ماند. گودال پلوتونیوم بخشی ضروری از کلاهک‌های هسته‌ای آمریکا است. تولید اخیر گودال نشان‌دهنده آغاز مجدد رسمی تولید کلاهک هسته‌ای در آمریکا است. NNSA در حال حاضر در حال کار بر

روی ایجاد مجدد قابلیت تولید چاله‌های پلوتونیوم با حداقل نرخ ۸۰ گودال در سال است. تولید گودال‌ها در سال ۱۹۸۹ متوقف شد و NNSA در حال حاضر در حال کار بر روی بازسازی قابلیت‌های تولیدی است که پس از جنگ سرد در شرکت امنیت هسته‌ای بدتر شده بود. این یک دستاورد مهم برای نوسازی انبار تسلیحات هسته‌ای آمریکا برای رسیدن به FPU گودال W-7-1 است. کلاهک W-7-1 برای پشتیبانی از Sentinel ICBM وزارت دفاع طراحی شده است که قرار است به یکی از اجزای حیاتی بازآرندگی هسته‌ای زمینی کشور تبدیل شود. Sentinel ICBM جایگزین ICBM‌های قدیمی Minuteman خواهد شد.

هسته پلوتونیومی اولیه با تأییدیه کامل برای کلاهک هسته‌ای W-7-1 به‌طور رسمی برای استقرار در انبار هسته‌ای آمریکا در بالاترین سطح کیفی معروف به «ذخایر جنگی» تأیید شده است. کارشناسان سازمان‌های مختلف، مانند آزمایشگاه ملی لارنس لیورمور، آزمایشگاه ملی لوس آلاموس (LANL)، پردیس امنیت ملی کانزاس سیتی (KCNSC) و سایت امنیت ملی نوادا، به مدت هشت سال با NNSA همکاری نزدیک داشتند. ساخت چاله‌های پلوتونیوم در LANL به پایان رسید و آزمایشگاه لیورمور مسئول طراحی گودال و KCNSC مسئول تولید اجزای غیرهسته‌ای بود. دکتر ماروین آدامز، معاون مدیر برنامه‌های

دفاعی گفت: «این تلاش پیچیده که توسط شرکای ما انجام شد، گام مهمی در مسیر ما برای بازسازی و نوسازی توانایی NNSA برای تولید گودال‌های پلوتونیوم در مقادیر موردنیاز برای پشتیبانی از الزامات نظامی تعیین شده توسط وزارت دفاع است.» برای اطمینان از قابلیت ذخایر هسته‌ای، حفظ تولید مداوم چاله‌های پلوتونیوم و داشتن قابلیت‌های تجربی قوی برای مطالعه خواص پلوتونیوم بسیار مهم است. فعالیت‌ها در LANL برای دستیابی به ظرفیت هدف تولید ۳۰ گودال در سال ادامه دارد. نصب تجهیزات و سایر پیشرفت‌های تسهیلات، قابلیت تولید را افزایش می‌دهد و خروجی مطمئن‌تری را تضمین می‌کند. <https://B2n.ir/t91791>

چرا اسرائیل سزاوار حمایت ماست؟



آن‌هرد آیان هیرسی علی

در طول ۱۲ ماه گذشته، دانشگاه‌ها و خیابان‌های شهر توسط ضد صهیونیسم فراگرفته شده است، درست همانطور که ضد آمریکایی‌گری در اوایل دهه ۲۰۰۰ به خشم چپ‌گراها تبدیل شد. علاوه بر این، دود دهه پیش، تظاهرات گسترده‌ای در نکووش تهاجم آمریکا به افغانستان و عراق و درخواست از سربازان برای ماندن در خانه‌ها، مانند درخواست‌های امروزی برای آتش‌بس در غزه و لبنان، برگزار شد. آمریکا تا سال ۲۰۲۱ در افغانستان ماندگار بود. امروز، اسرائیل مشغول گسترش جنگ خود به لبنان و شاید به زودی به ایران نیز است.

با ناکامی در نام بردن از اسلام‌گرایی به عنوان دشمن خود، به آن اجازه رونق دادیم. به عنوان مثال، آنچه در افغانستان اتفاق افتاد را در نظر بگیرید. پس از ۲۰ سال مبارزه با آن دشمن بی‌نام، صرف تریلیون‌ها دلار و تلف کردن جان هزاران نفر، ما کشور را به دست اوباش اسلام‌گرای طالبان واگذار کردیم. این یکی از شرم‌آورترین عقب‌نشینی‌ها در تاریخ آمریکا بود که با مصلحت‌های سیاسی کهنه پوشیده شده بود. وقتی اسلام‌گرایان زنان و اقلیت‌های افغان را به عصر تاریک دیگری بازگرداندند،

نگاهمان را به دور انداختیم. عواقب دیگری نیز وجود داشته است. همانطور که ما سکوت کردیم، اخوان المسلمین و شاخه‌های متعدد آن بی‌سروصدا در شهرهای غربی، از دانشگاه‌های استرالیا گرفته تا حومه منچستر، تثبیت شدند. به آن‌ها اجازه می‌دهیم مساجد بسازند و مدارس انصراف کنند، علاوه بر این، سکوت ما به آن‌ها این امکان را داده است که خود را به عنوان سخت‌گوی هر مسلمان در غرب معرفی کنند. این بی‌میلی مداوم برای دیدن دشمن در برابر ما به او اجازه می‌دهد تا در قلب‌های بیشتر و بیشتری نفوذ کند. با گذشت

اسلام‌گرایان کمک مالی کردند تا ایدئولوژی خود را در سراسر منطقه و فراتر از آن گسترش دهند. من از نزدیک شاهد این موضوع در کنیا بودم. زمانی که من فقط ۱۵ سال داشتم به خانه من آمدند و کنترل مسجد محل ما را به دست گرفتند. یکی از دلایلی که من اخوان المسلمین را درک می‌کنم این است که در نوجوانی به عضویت آن درآمدم. در ابتدا، سعودی‌ها فکر می‌کردند که آن‌ها و اخوان المسلمین از نظر ایدئولوژیک همسو هستند؛ اما اخوان در نهایت سعی کرد آن‌ها را سرنگون کند. در آن زمان، شاهزادگان سعودی که قادر به بی‌رحمی و همچنین سخاوت بودند، آن‌ها را جمع کردند و از مدارس و مساجد بیرون کردند. امروز که یک سال از حمله فجیع حماس به اسرائیل می‌گذرد، ما باید از جنگ اسرائیل علیه حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها و مهم‌تر از همه، علیه ایران استقبال کنیم؛ اما اسرائیل نیز باید از اشتباهات آمریکادرس بگیرد. به یاد داشته باشید که تا زمانی که ایدئولوژی اخوان المسلمین نبود نشود، جنگ تمام نمی‌شود و برای اینکه این اتفاق بیفتد، ابتدا باید دشمن خود را در میان خود بشناسیم و این با نام‌گذاری آن آغاز می‌شود. <https://B2n.ir/p11853>

نیویورک تایمز / ویلیام تیلور

به اوکراین اجازه عضویت در ناتو را بدهید



ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین ماه گذشته در واشنگتن و نیویورک گفت که مردم کشورش به شدت متعهد به صلح عادلانه و پایدار برای پایان دادن به جنگ علیه ملت خود هستند. این هفته در کی‌یف، از هر اوکراینی که با آن‌ها صحبت کردم، از مقامات ارشد گرفته تا سربازان خط مقدم، احساس مشابهی دریافت کردم. آن‌ها خواهان خروج روس‌ها از کشورشان و تضمین‌های امنیتی برای حفاظت از حاکمیت اوکراین هستند.

وقتی جنگ تمام شود، اوکراین باید به ناتو بپیوندد. همان‌طور که زلنسکی پیشنهاد کرده است، یا با عقب‌راندن مهاجمان روسی توسط اوکراین و یا با فشار جامعه بین‌المللی به روسیه برای توقف آن، پایان درگیری خواهد رسید؛ اما بدون اوکراین در اتحاد، این کشور هرگز از تجاوز روسیه که آن را برای ۳۰ سال تهدید کرده است در امان نخواهد بود و در کل اروپا امنیت نخواهد داشت. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به صراحت اعلام کرده است که قصد دارد اوکراین را به عنوان یک ملت حذف کند. او در سال ۲۰۱۴ با حمله به اوکراین و اشغال کریمه در این مسیر گام برداشت و از ماه فوریه ۲۰۲۲ تلاش کرد تا با تهاجم وحشیانه خود، اوکراینی‌ها را به تسلیم وادارد.

اوکراین با حمایت آمریکا، کانادا و اروپا و متحدان و شرکای خود در اقیانوس آرام، روس‌ها را به مدت دو سال و هشت ماه معطل کرده است. اوکراینی‌ها نشان داده‌اند که به مبارزه ادامه خواهند داد و همان‌طور که باید، رئیس‌جمهور آمریکا گفته است پیروز خواهند شد؛ اما آن‌ها آشکارا در طول جنگ و عضویت در ناتو پس از آن به حمایت بیشتری نیاز دارند. آخرین باری که آمریکا تلاش کرد تا عضویت اوکراین در ناتو را تضمین کند، در نشست ناتو در بخارست،

رومانی، در سال ۲۰۰۸، ما شکست خوردیم. برخی از کارشناسان سیاست در واشنگتن از آن به عنوان بهانه‌ای استفاده می‌کنند تا بگویند ائتلاف ناتو هرگز اوکراین را عضوی از خود نخواهد کرد. من در آن زمان سفیر آمریکا در کی‌یف بودم و فکر می‌کنم درس واقعی چیز دیگری است: اگر زودتر شروع می‌کردیم و بیشتر تلاش می‌کردیم، ممکن بود موفق می‌شدیم.

تصمیم برای دعوت از اوکراین (و گرجستان) برای آغاز روند پیوستن به ناتو در دستور کار بخارست قرار داشت. جورج دبلیو بوش دولت خود و دیگر رهبران ناتو را تحت فشار قرار داده بود تا این تصمیم را ادامه دهند. متأسفانه او خیلی دیر شروع کرد. در جلسه‌ای در واشنگتن با سفرای آمریکا در پایتخت‌های اروپایی در اواخر سال ۲۰۰۷، به یاد می‌آورم که از کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه وقت پرسیدم که آیا ما از طرح عضویت اوکراین در نشست بخارست حمایت می‌کنیم. وی، با کمی ناراحتی، نشان داد که ما این کار را نمی‌کنیم. برخی از متحدان ناتو، از جمله آلمان، به زودی این پیام را دریافت کردند و تصمیم گرفتند با این اقدام مخالفت کنند، عمدتاً به این دلیل که آن را موضع آمریکا می‌دانستند.

در ناتو تا زمانی ادامه داشت که بوش با وزیران امور خارجه و دفاع و دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور در نشست منظم چهارشنبه در اواخر ماه فوریه سال ۲۰۰۸، کمتر از دو ماه قبل از شروع نشست بخارست، به گفت‌وگو نشست.

بوش تصمیم گرفت که آمریکا از عضویت اوکراین در ناتو حمایت کند. او به استیون هادلی، مشاور امنیت ملی خود دستور داد تا به دنبال توافق آلمان باشد. هادلی تلاش کرد، اما برلین موافقت نکرد. بوش تصمیم گرفت ادامه دهد.

برای ایجاد حرکت برای عضویت اوکراین، بوش در راه رسیدن به اجلاس از کی‌یف بازدید کرد. او تحت تأثیر عزم اوکراینی‌ها قرار گرفت و مصمم به بخارست رفت تا برای عضویت در این کشور بحث کند. با این حال، آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها در مخالفت خود ثابت‌قدم بودند. هر دو کشور معتقد بودند که می‌توانند اقدامات روسیه را با ایجاد روابط نزدیک‌تر با مسکو شکل دهند. آنگلا مرکل، صدراعظم سابق آلمان، بعداً اذعان کرد که نگرانی‌ها در مورد واکنش‌های منفی احتمالی روسیه، تصمیم‌گیری آلمان را شکل داده است.

بوش و رایس توانستند بیانیه‌ای را در موضوع پایانی دریافت کنند که در

آن تایید کنند که اوکراین در نهایت در ناتو خواهد بود، اما بدون هیچ اشاره‌ای از زمان و چگونگی. شکست ناتو در ارائه مسیری برای عضویت اوکراین و گرجستان به احتمال زیاد باعث شد که پوتین به این نتیجه برسد که در صورت حمله به این دو کشور، غرب از آن‌ها حمایت نخواهد کرد. او چهار ماه بعد به گرجستان و ۶ سال بعد برای اولین بار به اوکراین حمله کرد. اگر ناتو اوکراین و گرجستان را در مسیر عضویت در ناتو در سال ۲۰۰۸ آغاز کرده بود، روسیه ممکن بود به این دو کشور حمله نکرده و اوکراین جنگ وحشتناک امروز روسیه را تحمل نمی‌کرد.

بنابراین، چه درس‌هایی از سال ۲۰۰۸ برای امروز وجود دارد؟ اول، می‌توان استنباط کرد که عضویت در ناتو برای جلوگیری از تجاوز روسیه ضروری است. پوتین تاکنون تنها به کشورهای غیر ناتو حمله کرده است. دوم، برای دستیابی به عضویت اوکراین در ناتو، آمریکا باید زودتر شروع کند و آن را به یک اولویت روشن برای نشست بعدی ناتو در ماه ژوئن تبدیل کند. این کشور باید از تمام اهرم‌هایی که در اختیار دارد برای متقاعد کردن متحدان ناتو برای برداشتن این گام استفاده کند.

twtr.to/OL9dt

فاینشال تایمز / احمد شری

دیوید بارنیا؛ جاسوسی که مبارزه اسرائیل با ترور را رهبری می کند



دیوید بارنیا، رئیس موساد و مردی که اسرائیلی‌ها او را به‌عنوان قهرمان به خاطر ایفای نقشی محوری در تغییر تاریخ و آینده غرب آسیا ستایش می‌کنند، کیست؟

بارنیا در سال ۱۹۶۵ متولد شد. داستان او داستان سرسختی، امید و شجاعت است. والدین او از بازماندگان هولوکاست بودند که تجربیات آن‌ها نه تنها احساس وظیفه بلکه غرور ملی را در او القا کرد. بارنیا در سال ۱۹۹۶ به موساد پیوست و بیش از یک دهه را در عملیات‌های اطلاعاتی انسانی گذراند و به سمت رئیس ایستگاه اروپایی موساد رسید، جایی که او حیاتی‌ترین عملیات آژانس را رهبری کرد. پس از بازگشت به اسرائیل، او به‌عنوان معاون رئیس «واحد کشت موساد» خدمت کرد، لشگری که به دلیل تخصصش در نظارت، نفوذ، ضربه زدن و خرابکاری در مناطق متخاصم و غیرمتخاصم مشهور است. بارنیا در مورد عملیات‌های مخفی که موساد را در طول دهه‌ها به یک سازمان اطلاعاتی مخوف و مؤثر تبدیل کرده است، دانش عمیقی به دست آورد. در سال ۲۰۱۹، وی برای اجرای تمامی عملیات‌های جهانی موساد انتخاب شد و قائم مقام آن سازمان شد.

او نقش مهمی از جمله در کمک به سیاد اجرای عملیات جسورانه سال ۲۰۲۰ ایفا کرد که به ترور قاسم سلیمانی، ژنرال ایرانی مغز متفکر نیروی قدس ایران و شبکه بدخواهانه شبهه‌نظامیان آن که نیروهای آمریکایی و اسرائیل را هدف قرار می‌داد، ایفا کرد.

پیشرفت مداوم بارنیا از طریق موساد با تخصص او در اطلاعات انسانی و نظارت فنی متمایز بود. این تخصص تضمین کرد که او برای آخرین مأموریت خود به خوبی آماده شده است: حمله و نابودی دشمنان اسرائیل در لبنان و ایران. بارنیا به‌عنوان مدیر موساد با این

شعار عمل می‌کند: «هرگز فراموش نکن، هرگز نبخش».

دوران تصدی وی هم‌زمان با افزایش تنش‌های منطقه‌ای بوده و با حمله وحشیانه حماس در ۷ اکتبر که صدها غیرنظامی اسرائیلی را قتل عام کرد به اوج خود رسید. با این وجود، پاسخ او تزلزل‌ناپذیر بوده است: کسانی که مقصر خشونت و ترور هستند هیچ پناهگاهی نخواهند یافت. بارنیا با مقایسه با عملیات موساد پس از کشتار المپیک سال ۱۹۷۲ مونیخ توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین، قول داده است که نویسندگان جنایات اخیر با عدالت سریع و سرسخت مواجه خواهند شد.

تحت رهبری بارنیا، موساد از تمام توانایی‌های خود استفاده کرده است. این آژانس با استفاده از ابزارهای نظارتی و سایبری پیشرفته برای شناسایی و خنثی کردن اهداف دشمن در فراسوی مرزهای اسرائیل، قدرت فناوری خود را افزایش داده است.

همان‌طور که بارنیا می‌بیند، حزب‌الله که به‌عنوان نیابتی

ایران در لبنان عمل می‌کند، خطری آشکار و فعلی برای جبهه شمالی اسرائیل است. موفقیت‌های اخیر اسرائیل در هدف قرار دادن شخصیت‌های کلیدی حزب‌الله، از جمله حسن نصرالله، رهبر آن، حکایت از یک پیشرفت اطلاعاتی مهم در این گروه دارد. موفقیت‌های اخیر با محاسبات نادرست قبل از حمله ۷ اکتبر تضاد کامل دارد.

این تغییر استراتژیک نشان می‌دهد که موساد در مبارزه با نیروهای نیابتی ایران در سراسر غرب آسیا به موفقیت دست یافته است. در شرایطی که منطقه در مرز درگیری‌های گسترده قرار دارد، ایران از طریق نیروهای نیابتی مانند حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها به دامن زدن به هرج و مرج ادامه می‌دهد. سپاه پاسداران ایران همچنین با استفاده از شبکه‌های حزب‌الله برای بی‌ثبات کردن بیشتر این قاره، دامنه نفوذ خود را به آفریقا نیز گسترش داده است.

جاه طلبی تهران روشن است. در هر زمان و هر کجا که ممکن باشد به صدور باور انقلابی خود ادامه خواهد

داد. آیا بارنیا می‌تواند به آنچه که بسیاری آن را هدف نهایی می‌دانند یعنی تضعیف خود حکومت ایران دست یابد؟

ایران ذاتاً ملت تروریسم نیست. این سرزمین با میراث فرهنگی غنی و جمعیتی تحصیل کرده است. مشکل ما حکومت است، نه مردم که خشونت را در سراسر جهان دامن زده است.

آمریکا فرصت نادری برای شکل دادن به این نتیجه دارد. پیام باید روشن باشد: دوران پذیرایی تهران به پایان رسیده است. پاسخ هدفمند به تجاوز ایران نه تنها جاه‌طلبی‌های حکومت را فلج می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که آمریکا دیگر نیروهای بی‌ثبات‌کننده در منطقه را تحمل نخواهد کرد. آمریکا با استفاده از مشارکت و حرفه‌ای بودن مقاماتی مانند دیوید بارنیا، می‌تواند تلاش‌های خود را برای مبارزه با ایران بهبود بخشد. به خاطر صلح، آزادی و آینده غرب آسیا، اکنون زمان اقدام فرار رسیده است.

twtr.to/XujjZ



• مایکل مک کال، رئیس جمهوری خواه کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، در واکنش به دیدار پوتین و پزشکیان، نسبت به تعمیق فزاینده «اتحاد نامقدس» میان روسیه و ایران هشدار داد و یادآور شد که حکومت جمهوری اسلامی به جنگ تجاوزکارانه پوتین کمک می‌کند و روس‌ها نیز ضمن حمایت از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای این کشور، انتقال تسلیحات مرگبار به گروه‌های تروریستی مورد حمایت آن را تسهیل می‌کنند.

• لیندا توماس گرینفیلد، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد گفت: «آمریکا نگران وضعیت شمال غزه، از جمله اعلام دستور تخلیه جدید از سوی اسرائیل و احتمال آوارگی غیرنظامیان فلسطینی است.» او با اشاره به «شرایط اسفبار» انسانی در جنوب و مرکز غزه افزود: «این شرایط فاجعه‌بار از ماه‌ها قبل پیش‌بینی شده بود، اما هنوز به آن رسیدگی نشده است. این وضعیت باید تغییر کند، اسرائیل باید اقدامات فوری انجام دهد و به غیرنظامیان فلسطینی، اجازه دهد به خانه‌های خود بازگردند و آن‌ها را بازسازی کنند.»

• در کتابی که قرار است به‌زودی در آمریکا منتشر شود، «مارک میلی»، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش، دونالد ترامپ را یک «فاشیست تمام‌عیار» توصیف کرده و گفته هیچ‌کس به اندازه او برای کشور خطرناک نبوده است. «باب وودوارد»، روزنامه‌نگار کهنه‌کار آمریکایی در کتابش به نام «جنگ» نوشته مارک میلی به شدت درباره بازگشت ترامپ به کاخ سفید در انتخابات ۲۰۲۴ هشدار داده است. در این کتاب فاش شده «میلی» در دیداری که در آستانه وقوع شورش ۶ ژانویه ۲۰۲۱ توسط هواداران ترامپ داشته، با دادستان کل آمریکا دیدار کرده و گفته که ترامپ را خطری بزرگ برای آمریکا می‌داند.

• ژنرال مکنزی، فرمانده سابق سنتکام، با اشاره به قدرت نابودکننده ایران گفت: پایگاه‌های آمریکایی در منطقه در تیررس موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایران هستند که در صورت وقوع یک جنگ منطقه‌ای این پایگاه‌ها آماج حملات این کشور قرار می‌گیرند و عملاً بلااستفاده خواهند شد!

• کاملا هریس گفت: من به‌عنوان رئیس‌جمهور هرگز در انجام هیچ اقدامی برای دفاع از نیروها و منافع آمریکا در برابر ایران و تروریست‌های مورد حمایت آن تردید نخواهم کرد و هرگز اجازه نمی‌دهم جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابد. دیپلماسی مسیر مطلوب من برای رسیدن به این هدف است، اما همه گزینه‌ها روی میز است. اظهارات هریس پیش‌تر درباره اینکه جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین دشمن آمریکاست، با انتقاد شدید از سوی دو حزب جمهوری خواه و دموکرات روبرو شده بود.

• باراک اوباما در جریان یک سخنرانی در ایالت پنسیلوانیا به صورت مستقیم از رای‌دهندگان مرد خواست تا به دونالد ترامپ رای ندهند و از کامالا هریس در انتخابات پنج‌نوامبر ریاست‌جمهوری آمریکا حمایت کنند. وی افزود: متأسفم، آقایان، من این را به‌ویژه در مورد برخی از مردان متوجه شده‌ام که فکر می‌کنند رفتار ترامپ، قلدری و سرکوب کردن مردم، نشانه قدرت است. من اینجا هستم تا به شما بگویم این قدرت واقعی نیست.

• رسانه‌های وابسته به حزب الله لبنان گزارش می‌دهند که این گروه شبهه‌نظامی متعلق به جمهوری اسلامی ایران مدعی است که ساعاتی پیش «رگبار راکتی» را به پایگاه نظامی در جنوب حیفا شلیک کرده، اما رسانه‌های اسرائیلی می‌گویند «هیچ‌آزیر خطری در این کشور به صدا درنیامده و هیچ گزارشی از حمله وجود ندارد». گزارش شبکه‌های میادین صحت بیانیه حزب الله را زیر سؤال می‌برد که می‌گوید «رگبار در ساعت ۶ صبح به وقت محلی آغاز شده است».

• آنتونی بلینکن در حاشیه اجلاس سالانه اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا گفت: نگرانی عمیقی در آسیا در مورد چشم‌انداز گسترش درگیری در منطقه وجود دارد. آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز خواستار انجام هر اقدام ممکن برای جلوگیری از «جنگ همه‌جانبه» در لبنان شد. درگیری در غرب آسیا یکی از موضوعات اصلی اجلاس آسه‌ان در لائوس بود، جایی که بلینکن گفت واشنگتن به استفاده از دیپلماسی برای کنترل اوضاع، در مواجهه با «محور مقاومت» تحت رهبری حکومت ایران، متعهد است.

• ایلان برمن، معاون ارشد اندیشکده شورای سیاست خارجی آمریکا، با بیان اینکه کاخ سفید خواستار خویشتن‌داری برای جلوگیری از اختلال در بازارهای جهانی انرژی یا تحریک خصومت‌های بیشتر است، یادآور می‌شود که تحلیل‌گران اسرائیلی معتقدند حکومت ایران ممکن است برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را تسریع کند. اسرائیل نیز در حال بررسی گزینه‌های خود در مورد حکومت ایران است و در همین حال غرب آسیا و در واقع جهان، با نگرانی در انتظار پاسخ دولت یهود به حمله موشکی گسترده جمهوری اسلامی به این رژیم است.

• آمریکا در واکنش به حمله موشکی ۱۰ روز پیش حکومت ایران به اسرائیل، تحریم‌های جدیدی علیه صنایع نفت و پتروشیمی جمهوری اسلامی وضع کرد. بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری، این تحریم موجب تشدید فشار مالی بر حکومت ایران و محدود کردن توانایی آن در کسب درآمدهای حیاتی از بخش انرژی به‌منظور تضعیف ثبات در غرب آسیا و حمله به متحدان و شرکای منطقه‌ای آمریکا می‌شود.

• لویید آستین، وزیر دفاع آمریکا، اعلام کرد که کشورش برای دفاع از نیروهای خود، شرکا و متحدانش در برابر حملات احتمالی حکومت ایران و گروه‌های نیابتی‌اش، آمادگی کامل دارد. بنا بر بیانیه وزارت دفاع آمریکا، در تماس تلفنی لویید آستین با یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، دو طرف بر تعهد خود برای جلوگیری از سوءاستفاده «باز یگران مختلف» از تنش‌ها یا گسترش درگیری‌ها در منطقه تأکید کردند.

• خیرنگار بی‌بی‌سی در اسرائیل با اشاره به اختلاف شدید کابینه نتانیاهو بر سر حمله به ایران گفت: نشست کابینه امنیتی اسرائیل برای نهایی کردن طرح حمله به ایران به دلیل اختلاف نظر مقامات بی‌نتیجه ماند و همه چیز به هوارفت!

• جیک سالوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، در پی اعلام تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرد که آمریکا به ایران هشدار داده بود که با پیامدهای شدیدی روبرو خواهد شد و حالا تحریم‌های خود علیه این کشور را گسترش داده است.

ابندپندت / امیرطاهری

مسکو، پکن و تهران؛ برخورد واقعیات با خیالات

روز به روز تنگ‌تر قرار گرفته‌اند. با تقویت حضور نیروهای دریایی پیمان آتلانتیک شمالی در خلیج عدن و دریای سرخ، نیابتی‌های تهران یعنی حوثیان نیز به پله‌های پایین‌تر سقوط می‌کنند.

البته هنوز نمی‌توان مطمئن بود که مسکو چگونه به آینده نظام در تهران می‌نگرد. اما روشن است که پوتین به هیچ وجه مایل نیست که مهره‌های زیادی روی جمهوری اسلامی شربندی کند. روسیه تقریباً هیچ سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران را نپذیرفته و تازه‌ترین آمار وزارت بازرگانی آن نشانگر کاهش مستدام دادوستد دو کشور است. از سوی دیگر، روسیه با بهره‌گیری از این تصور عمومی که آینده جمهوری اسلامی نامعلوم است، برنامه‌ای گسترده برای گرفتن بازارهای نفت چین از ایران آغاز کرده است. چین، مانند روسیه، تردیدهای خود درباره آینده جمهوری اسلامی را بارها نشان داده است. ایران تنها کشوری است که از برنامه جهانی چین به عنوان «یک کمربند جهانی» عملاً حذف شده است. تلاش رهبر ایران برای جبران این حذف از طریق پیوستن به برنامه رقابتی هند که مشابه برنامه چین است، با همین هدف آغاز شد. اما حمله شدید [آیت‌الله] خامنه‌ای به هند، دهلی نورا نیز با تردیدهای مشابه روبرو کرده است.

هم روسیه و هم چین، با امضای بیانیه‌هایی که تمامیت ارضی و حاکمیت‌های ایران را مورد تردید قرار می‌دهد، نشان داده‌اند که تصور رهبر جمهوری اسلامی از «حمایت قاطع» آن دو قدرت در چارچوب «نگاه به شرق» چیزی جز یک رویای کودکانه نیست. علی‌مطهری، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، از «بی‌وفایی» روسیه و چین سخن می‌گوید، برداشتی که از سوی «اصلاح‌طلبان» خواستار رفتن زیر چتر آمریکا نیز عرضه می‌شود.

در حالی که روسیه سراب دفاع از جمهوری اسلامی علیه دشمنان نظام را ترسیم می‌کند، در عمل نشان می‌دهد که به هیچ روی نمی‌خواهد به بازی خطرناکی کشانده شود که کنترل آن، از دست رهبر ایران نیز بیرون رفته و در واقع در اختیار بازیگری است که تا یک سال پیش ناشناس بود: یحیی سنوار، رهبر باقی‌مانده حماس در غزه.

رسانه‌های مسکو از جمله روزنامه پرتیراژ کامرسانت، تاکید می‌کنند که روسیه نمی‌تواند برای جمهوری اسلامی نقشی را بازی کند که آمریکا در حمایت از اسرائیل دارد. شاید به همین سبب است که مذاکرات پایان‌ناپذیر برای فروش هواپیماهای جنگی مدرن به جمهوری اسلامی ناگهان متوقف شد و سفر سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح تهران، بی‌سرودا به تعویق افتاد.

بدین سان می‌توان گفت که اگر [آیت‌الله] خامنه‌ای ایران را به جنگی تمام‌عیار و بی‌واسطه با اسرائیل بکشد، خیلی زود خود را تنها خواهد یافت. برای بیش از ۳۰ سال، سراب فرابردی رهبر ایران، ادامه جنگ از راه دور با واسطه نیروهای نیابتی بود، با این تفکر که روسیه به عنوان ژوکر نجات‌بخش در بسته‌ورق‌ها قرار خواهد داشت. امروز اما نیابتی‌ها در مسیر نابودی قرار دارند: گروه سنوار در آستانه تحقق آرزوی اعلام شده اما دروغین خود یعنی رسیدن به شهادت قرار دارد. حزب‌الله در لبنان هنوز می‌تواند یک نقش تاکتیکی ایذایی بازی کند، اما زرادخانه موشکی، راکتی و پهپادی ساخته شده طی ۲۰ سال به سرعت تحلیل می‌رود، در حالی که ارسال مجدد سلاح از ایران تقریباً غیرممکن شده است. در عراق، نیروهای نیابتی در منگنه ارتش دولتی این کشور و نیروهای آمریکای مستقر در آن در فضایی

اما در روابط بین‌المللی مسئله وفاداری یا بی‌وفایی یا جفاکاری مطرح نیست. نخستین و مهم‌ترین دغدغه هر دولت، حتی بدترین دولت‌ها حفظ منافع خویش است. جمهوری اسلامی شاید تنها نظامی در تاریخ بشر باشد که این اصل مهم را در نظر نمی‌گیرد و حاضر است که نه تنها منافع ایران به عنوان یک ملت-دولت، بلکه منافع خود نظام را نیز فدای خواب‌های افیونی-مسلکی گروهی کوچک از مسلک‌زدگان کند. از دید رهبر ایران، کافی است که عده‌ای در عراق، لبنان، سوریه و غزه عکس‌ایشان را همراه با عکس‌هایی از [آیت‌الله] خمینی و سردار سلیمانی اینجا و آنجا نصب کنند تا منافع ایران را به خاطرشان کنار بگذاریم.

چند لحظه خود را جای کارشناسانی بگذارید که در مسکو و پکن مأمور تعقیب تحولات ایران و ارائه برنامه‌های سیاسی به تصمیم‌گیرندگان نهایی کشور خود هستند.

چه می‌بینید: یک دیوانه مسلک‌زده که روی یک انبار باروت قرار دارد، با نازنجکی در دست و ماشه کشیده که یک رقص مرگ آغاز کرده است. البته همه این‌ها ممکن است سرانجام چیزی جز یک نمایش سورئالیستی نباشد. اما آیا شما به عنوان مشاور تصمیم‌گیرندگان، حاضرید با آن دیوانه نازنجک به دست قرارداد ۲۵ ساله ببندید؟ آیا حاضرید در کنار او قرار بگیرید با این خطر که انبار باروت ممکن است ناگهان منفجر شود و شما را نیز کنار یالانچی پهلوان به دنیای بهتری ارسال کند؟

مشاور روسی با نگاهی به کل غرب آسیا، آیا توصیه خواهید کرد که تصمیم‌گیرنده کل منطقه را کنار بگذارد و با تنها نظام منطقه که آینده‌اش نامعلوم است، در یک صف قرار گیرد؟ آیا صبر نمی‌کنید تا ببینید که رهبر ایران به عنوان آواز قوی خود در پایان چند دهه آتش‌بازی سیاسی ربه جنگ مستقیم با اسرائیل

که بی‌شک به نبرد رو در رو با آمریکا منجر خواهد شد، می‌کشاند یا نه؟ مشاور چین در پکن چه می‌بیند؟ او می‌بیند که بیش از ۱۰۰ هزار چینی در امارات در ده‌ها طرح مشترک سرگرم کارند، در حالی که دو طرف قراردادهای همکاری صنعتی و بازرگانی با ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار برای اجراطی سال‌ها امضا کرده‌اند. خوب، آیا توجیه خواهید کرد که تصمیم‌گیرنده، یعنی شی جین‌پینگ، باید بهترین شریک خود در منطقه را به امیدیک لبخند رضایت‌آمیز از سوی رهبر ایران از خود برنجاند؟

جمهوری خلق چین با تفاهم کم‌سابقه با آمریکا، کمک کرد تا مناسبات دیپلماتیک جمهوری اسلامی و عربستان از سر گرفته شود. یکی از شرایطی که پکن تعیین کرد، پایان کمک‌های نظامی تهران به حوثی‌های یمن بود. تهران این شرط را پذیرفت و در نتیجه جنگ یمن که پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسید، در مسیر حرکت به سوی پایان قرار گرفت. اما پس از آنکه سنوار با حمله ۱۷ اکتبر رهبری «جبهه مقاومت» را گرفت، رهبری ایران ارسال سلاح به حوثیان را از سر گرفت تا جبهه جدیدی علیه «اسرائیل غاصب» بگشاید. حوثی‌ها با ایجاد ناامنی از طریق حمله به کشتی‌های تجاری و دیگر عملیات دزدی دریایی، بخشی از بازرگانی بین‌المللی را مختل کرده‌اند. بزرگ‌ترین بازندگان این بازی خطرناک مصر با از دست دادن بخشی از درآمدش از کانال سوئز و چین با افزایش ۱۰ درصدی هزینه صدور کالا به بازارهای اروپا و قاره آمریکا هستند. آیا شما به عنوان یک مشاور چینی توصیه خواهید کرد که شی عواقب سیاست رهبر ایران، یعنی قرار گرفتن پشت سر سنوار، را نادیده بگیرد و به عبارت دیگر، بخشی از هزینه ماجراجویی «محور مقاومت» را به مردم چین تحمیل کند؟



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مرکز مطالعات

Sourianc.com